

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۰۷/۲۷

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۱۱/۲۸

مینو قره‌بگلو^۱، نوید خالقی‌مقدم^۲

گونه‌شناسی مجتمع‌های مسکونی، گامی مؤثر در طراحی با کیفیت مجموعه‌های مسکونی معاصر

بررسی موردی: مجتمع‌های مسکونی شهر تبریز^۳

چکیده

افزایش جمعیت شهری و نیاز به اماکن مسکونی موجب استفاده از مسکن چندخانواری به‌جای مسکن تک‌خانواری شده است که شهر تبریز نیز از این قاعده مستثنی نیست. از مسائل مهم طراحی این الگوی جدید سکونت، فراهم‌آوری زمینه‌ای جهت شناخت و آسیب‌شناسی وضع موجود است. با واکاوی ادبیات موضوع چارچوبی متشکل از دو معیار مطرح در طبقه‌بندی مجموعه‌های مسکونی یعنی ارتفاع (تعداد طبقات) و نحوه همنشینی فضاهای باز و بسته تبیین شد و کیفیات فضایی هر یک از گونه‌ها بر مبنای معیارهای ارزیابی کیفی مجموعه‌های مسکونی تحلیل گردید. سپس کلیه مجتمع‌های مسکونی شهر تبریز شناسایی شد و گونه‌شناسی آنها با تأکید بر معیارهای مذکور، هدف نوشتار حاضر قرار گرفت. در گام نهایی ارزیابی کیفی گونه‌های غالب مجتمع‌های مسکونی شهر تبریز با تکیه بر معیارهای ارزیابی کیفی مجموعه‌های مسکونی صورت گرفت. نتایج تحقیق با معیار ارتفاع حاکی از فراوانی مجتمع‌های مسکونی کوتاه‌مرتبه در شهر است که ریشه در مسائل اقتصادی و سهولت تکنولوژی ساخت دارد. نتایج تحقیق با معیار همنشینی فضای باز و بسته حاکی از فراوانی گونه پراکنده به‌عنوان راهکاری جهت رهایی از محدودیت و ایجاد تنوع فضایی است. گونه‌شناسی مجتمع‌های مسکونی شهر تبریز با دو معیار همزمان ارتفاع و همنشینی فضای باز و بسته حاکی از گونه غالب خطی در مجموعه‌های کوتاه‌مرتبه، گونه غالب پراکنده در مجتمع‌های میان‌مرتبه و بلندمرتبه، فراوانی بلندمرتبه در گونه متمرکز و پراکنده و فراوانی کوتاه‌مرتبه در سایر گونه‌ها است. دستاورد این پژوهش می‌تواند جهت بازنگری کیفی فضای باز مجتمع‌های مسکونی مورد استفاده طیف متنوع سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و طراحان قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: گونه، مجتمع مسکونی، ارتفاع، فضای باز و بسته، معیارهای سنجش کیفیت، تبریز.

^۱ استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، استان آذربایجان شرقی، شهر تبریز (نویسنده مسئول)

E-mail: minoo.gharehbeiglu@gmail.com

^۲ کارشناسی ارشد مهندسی معماری اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، استان آذربایجان شرقی، شهر تبریز

E-mail: navid.khaleghi1363@gmail.com

مقدمه

آپارتمان‌نشینی را می‌توان از مهمترین تحولات در فرآیند اسکان بشر در شهرها دانست که به فرم غالب مسکن شهری در دوران معاصر تبدیل شده است. در ایران نیز تحولات اساسی در ساختارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور از اواسط دوره قاجار باعث دگرگون شدن بسیاری از عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی از جمله شیوه زندگی، الگوهای رفتاری، معماری و شهرسازی گردید (سلطان‌زاده، ۱۳۸۴، ۱۴۴). این روند دگرگونی‌ها از اواخر دهه بیست و اوایل دهه سی به تدریج ایده آپارتمان‌نشینی به جای خانه‌های شخصی را در جامعه ایرانی رونق داد (باور، ۱۳۸۴، ۱۳۰). واحدهای مسکونی از شکل تک‌هسته‌ای و مستقل خارج شد، اما به دلیل نبود سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های مناسب در حوزه مسکن و همچنین افزایش قیمت زمین و ساختمان، خانه به یک کالای سرمایه‌ای تبدیل شد.

از سویی دیگر افزایش مهاجرت و شهرنشینی، گران شدن بهای مسکن را تشدید کرد و همزمان با شکل‌گیری نخبستین برج‌های مسکونی، مالکیت واحدهای آپارتمانی به رسمیت شناخته شد (سلطان‌زاده، ۱۳۸۴، ۱۵۲). مزیت‌های این نوع ساخت‌وسازهای تکراری سبب اولویت یافتن مجتمع‌های مسکونی در مقیاس‌های کوچک و بزرگ، نسبت به مشارکت ساکنان در برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای سکونتی خود شد. از سوی دیگر نیاز مبرم به مسکن برای مردمی که در شهرها زندگی می‌کردند، مزید بر علت گردید و در بسیاری از موارد امکان انتخاب و اظهار نظر در مورد مجتمع مسکونی را برای یک خانواده در اولویت‌های بعدی قرار داد. این عوامل دست در دست هم باعث گردید که خانه‌های امروزی در بلوک‌های مسکونی در پشت چند پنجره یکنواخت و هم‌شکل با دیگران قرار گیرد که تشخیصی از آن بیرون نه تنها برای میهمانان، بلکه برای افراد خانواده نیز مشکل است (عینی‌فر، ۱۳۷۹، ۱۱۰). روشن است که در طراحی این مجتمع‌ها، معیارهای ایجاد محیط مسکونی مطلوب تا حد زیادی نادیده گرفته می‌شود و کلان‌شهر تبریز نیز از این قاعده مستثنی نیست.

هدف پژوهش حاضر جستجوی چارچوبی نظری برای طبقه‌بندی مجتمع‌های مسکونی شهر تبریز و تبیین رابطه طراحی کالبدی با کیفیات فضایی حاصل در آنها است. منظور از این امر شناخت انواع الگوهای مجتمع‌های مسکونی و ارزیابی معانی محیطی حاصل از این الگوها، جهت یافتن نقاط ضعف، قوت و زمینه‌سازی برای شکل‌گیری محیط مطلوب زندگی روزمره ساکنان و ارائه راهکارهایی مؤثر در این زمینه است.

پرسش تحقیق

بسیاری از مجتمع‌های مسکونی ساخته شده در شهر تبریز با اینکه با اهداف مختلف و با الگوهای متفاوتی ایجاد شده‌اند، اما به تبع شرایط حاکم بر بخش مسکن لزوماً تمامی معیارهای ایجاد محیط مسکونی مطلوب را برآورده نمی‌کنند. بنابراین این نوشتار جهت فراهم‌آوری زمینه‌ای جهت شناخت بهتر الگوی سکونت جمعی با طرح پرسش‌های ذیل تلاش دارد به آسیب‌شناسی کیفیات حاصل از این الگوی سکونت بپردازد.

- آیا می‌توان گونه یا گونه‌هایی خاص برای مجتمع‌های مسکونی شهر تبریز متصور شد؟
- گونه‌های قابل تعریف در مجتمع‌های مسکونی شهر تبریز منجر به ایجاد چه کیفیات فضایی شده است؟

جهت پاسخگویی به این سؤالات، نوشتار حاضر بر آن است تا با توجه به خلأ علمی-تحقیقاتی درخصوص گونه‌های متفاوت مجتمع‌های مسکونی و ابعاد و خصوصیات هر یک از آنها، در گام اول به بازشناسی مفهوم گونه و کاربرد آن در معماری بپردازد. سپس در گام دوم با واکاوی ادبیات موضوع به بررسی گونه‌های مختلف مجموعه‌های مسکونی با معیارهای مطرح در طراحی مجتمع‌های مسکونی و تحلیل کیفیات فضایی هر یک از این‌گونه‌ها بر اساس معیارهای کیفی مجموعه‌های مسکونی می‌پردازد. در گام سوم مجموعه‌های مسکونی احداث شده شهر تبریز با معیارهای مذکور مورد طبقه‌بندی قرار می‌گیرد. در گام نهایی واکاوی نقاط ضعف و قوت گونه‌های غالب مجتمع‌های مسکونی شهر تبریز از طریق تحلیل معیارهای ارزیابی کیفی انجام می‌گیرد.

بازشناسی مفهوم گونه و گونه‌شناسی

برای پرداختن به موضوع گونه‌شناسی، تعریف گونه و معیارهای آن ضرورت دارد. گونه‌شناسی عبارت است از دسته‌بندی بر طبق مقاصد یا ساختار و فرم مشترک (لنگ، ۱۳۸۳، ۷۰). بسیاری از محققان بر این عقیده‌اند که کار گونه‌شناسی و رای طبقه‌بندی ساده است و در آن عناصر دقیق‌تری مطرح می‌شود و مورد توجه قرار می‌گیرد (توسلی، ۱۳۸۹). بنابراین گونه‌شناسی در سطح بالاتری از طبقه‌بندی قرار دارد. آلدو روسی گونه را امری ثابت و مقدم بر فرم و مشتمل بر آن می‌پندارد. همچنین برخی نظریات شناسایی و دسته‌بندی گونه‌ها را بر اساس خصوصیات مورفولوژیکی ممکن می‌دانند که بر اجزاء و عناصر یک پدیده حاکم است (مقتدایی، ۱۳۸۵). طبقه‌بندی بر پایه اصول و ویژگی‌های مشترک، گام مهمی در راستای شناخت پدیده‌ها است. هرچند که صرف وجود اشتراکات در پدیده‌ها و به‌طور اخص در طرح‌های معماری دال بر تبعیت آنها از الگویی مشخص نیست، اما طبقه‌بندی نمونه‌ها بر اساس گونه‌ها می‌تواند به شناسایی الگوها نیز کمک کند (سلطانی و دیگران، ۱۳۹۱). به‌همین دلیل طبقه‌بندی اشیاء به کمک همدسه و نظم یا به‌عبارت دیگر گونه‌شناسی در نظریه‌های معماری قدمتی طولانی دارد. بنابراین این‌گونه می‌توان بیان کرد که گونه‌شناسی با مفهوم‌سازی نزدیکی بسیار می‌یابد. زمانی که گونه‌شناسی به‌درستی صورت می‌گیرد، مورد قبول عام محققان واقع می‌شود چرا که گونه‌های تعبیه شده وارد زبان دانش می‌شوند و مورد استفاده همگان قرار می‌گیرند.

روش تحقیق

در نوشتار حاضر با رویکرد تحقیق کمی-کیفی از روش تحقیق استدلال منطقی بهره گرفته شده است. بدین‌صورت که در بخش نظری با رویکرد کیفی با توجه به سؤالات تحقیق، ادبیات موضوع در دو حوزه معیارهایی جهت گونه‌شناسی مجتمع‌های مسکونی و معیارهایی جهت ارزیابی کیفیات فضایی حاصل در گونه‌های مختلف مجموعه‌های مسکونی از طریق استدلال منطقی مورد تحلیل محتوا و طبقه‌بندی قرار می‌گیرد. بخش عملی تحقیق از طریق موردپژوهی و در طی دو مرحله انجام می‌پذیرد. در مرحله اول گونه‌شناسی مجتمع‌های مسکونی شهر تبریز با رویکرد کمی و بر مبنای معیارهای بررسی شده در بخش چارچوب نظری و به‌واسطه مطالعات میدانی، عکس‌برداری، استفاده از مدارک و نقشه‌های موجود صورت می‌گیرد. در مرحله دوم با رویکرد کیفی به تحلیل و ارزیابی گونه‌های غالب مجتمع‌های مسکونی شهر تبریز از جنبه معیارهای ارزیابی کیفی مجموعه‌های مسکونی که در بخش چارچوب نظری مورد واکاوی قرار گرفته،

پرداخته می‌شود. در نهایت و پس از ارزیابی نقاط قوت و ضعف گونه‌های غالب به ارائه راهکارها و پیشنهادهایی جهت بهبود پرداخته می‌شود.

چارچوب نظری تحقیق

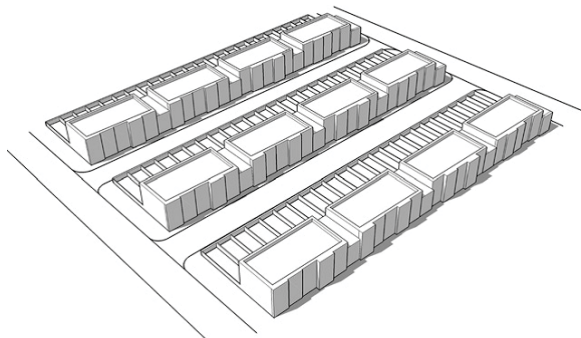
شناخت مجتمع‌های مسکونی و بررسی سیر تحول و انواع آنها در تجزیه و تحلیل مسائل مربوط به کیفیت سکونت اهمیت به‌سزایی دارد. فرم و الگوی مسکن امروزی در نظریه‌های متفکران اجتماعی بر مبنای نظم دادن به اسکان افراد در جهت تأمین آسایش، سلامت و امنیت ناشی از بحران‌های پس از انقلاب صنعتی ریشه دارد (شوای، ۱۳۸۴، ۹۶-۹۳). بنابراین در تحقیق حاضر پس از طرح سؤالات، حوزه نظری تحقیق شکل می‌گیرد. در واقع بخشی از انجام تحقیق فراهم نمودن زمینه‌ای به‌منظور پاسخگویی به سؤالات تحقیق است. بنابراین با هدف پاسخگویی به سؤالات تحقیق در گام اول نسبت به واکاوی مفاهیم و نظریات مرتبط با طراحی مجتمع‌های مسکونی اقدام گردید. پاسخگویی به سؤال اول تحقیق یعنی «ارائه گونه یا گونه‌هایی برای مجتمع‌های مسکونی شهر تبریز»، تدقیق معیارهایی جهت گونه‌شناسی مجتمع‌های مسکونی را ایجاب می‌نماید. پاسخگویی به سؤال دوم تحقیق یعنی «کیفیات فضایی گونه‌های قابل تعریف در مجتمع‌های مسکونی شهر تبریز»، واکاوی معیارهایی جهت ارزیابی کیفیات فضایی حاصل در گونه‌های مختلف مجموعه‌های مسکونی را ایجاب می‌کند. در این بخش نوشتار به تحلیل مسائل مربوط به این دو حوزه پرداخته می‌شود و از نتایج حاصل از واکاوی معیارهای این دو حوزه جهت ارزیابی کیفی گونه‌های مختلف مجتمع‌های مسکونی بهره گرفته می‌شود.

گونه‌شناسی مسکن جمعی با معیار همنشینی فضای باز و بسته

حضور حیاط به‌عنوان فضای باز مسکونی همگام با تحول ساخت واحد مسکونی در معماری امروزی تغییر یافته است. ادامه حضور اختصاصی حیاط برای بسیاری از خانواده‌ها مقدور نبوده و شأن آن به فضاهای باز همسایگی تبدیل شده است. فضای باز مسکونی هر فضای ساخته نشده در مرز و یا محدوده مجتمع مسکونی است که امکان استفاده از مزایای اجتماعی و اقتصادی آن به‌صورت مستقیم و یا غیرمستقیم برای کاربران وجود دارد. همچنین فضای باز به فضای منفرد یا مجموعه‌ای از فضاهای سازمان‌یافته، آراسته و واجد نظم اطلاق می‌شود که میان سطوح ساخته شده قرار گرفته و بستری برای فعالیت‌ها و رفتارهای انسانی است (قاضی‌زاده، ۱۳۹۰). فضای باز به‌عنوان یک فضای متعادل‌کننده و تعمیم‌دهنده در فضای شهری مورد استفاده قرار می‌گیرد که مکملی برای فضای سبز است. در عین حال، فضای باز به‌عنوان تعدیل تراکم ساختمانی و انسانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. فضاهای باز در شکل فضاهای ارتباطی بین فعالیت‌های مختلف است که استخوان‌بندی درون شهر نامیده می‌شود و بخشی از ساختار یا فرم شهری را مشخص می‌سازد. بنابراین فضاهای باز مسکونی به‌نوعی تبلور ماهیت زندگی جمعی است (نوذری، ۱۳۸۳، ۴۹).

اگرچه طیف متنوعی از همنشینی فضای باز و بسته در طراحی مجموعه‌های مسکونی به‌کار بسته می‌شود، ولی برخی از گونه‌ها نسبت به بقیه معمول‌تر هستند که در یک جمع‌بندی می‌توان گونه‌های رایج در ترکیب فضاهای باز و بسته مجتمع‌های مسکونی را به‌صورت ذیل طبقه‌بندی نمود: **بلوک‌های خطی**: چیدمان بلوک‌های خطی در اوایل قرن بیستم مطرح شد و هنوز هم عمومیت دارد. این چیدمان که به‌طور ویژه در بخش‌هایی از اروپا مرسوم بوده است، این حقیقت را منعکس

می‌کند که جهت‌گیری فضای زندگی به سمت نور خورشید اولویت بالایی دارد. در این‌گونه، پشت آپارتمان‌ها رو به بخش جلویی آپارتمان دیگر است یا آپارتمان‌ها در سراسر خیابان یا مسیر پیاده‌رو رو به همدیگر هستند (Biddulph, 2007) (شکل ۱).

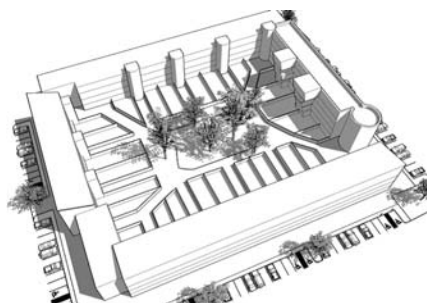


شکل ۱. بلوک‌های خطی

منبع: Biddulph, 2007

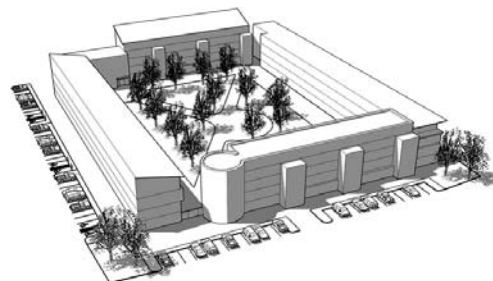
بلوک‌های محیطی^۲: تا دهه ۱۹۳۰ بلوک محیطی معمول‌ترین شکل مجموعه‌های مسکونی بود. اخیراً بلوک‌های محیطی در نتیجه تأثیر انتشار کتاب محیط‌های پاسخ‌ده^۳ برای طیف گسترده‌ای از ساختمان‌ها مجدداً پیشنهاد شده است (بنتلی و همکاران، ۱۳۸۲). این‌گونه طراحی مجتمع‌های مسکونی پیرو این اصل است که تمامی جلوی ساختمان‌ها باید رو به قلمرویی عمومی باشد و بخش پشتی و خصوصی ساختمان‌ها باید رو به همدیگر باشد (Biddulph, 2007). دو نوع طبقه‌بندی از بلوک‌های محیطی به شرح ذیل است:

- بلوک‌های محیطی با فضای باز مشترک: در این‌گونه، حیاط نیمه‌خصوصی در مرکز بلوک‌ها گنجانده می‌شوند (شکل ۲) که در آنجا فعالیت‌های جمعی نظیر درخت‌کاری و تعامل ساکنان و بازی کودکان صورت می‌گیرد (Biddulph, 2007).
- بلوک‌های محیطی با حیاط‌های خصوصی و فضای باز مشترک: در این‌گونه، آپارتمان‌های طبقه همکف در بلوک‌های محیطی می‌توانند در بخش پشتی خود حیاط‌های خصوصی داشته باشند (شکل ۳) و ساکنان که در طبقات دیگر زندگی می‌کنند می‌توانند به فضای عمومی دسترسی داشته باشند (Biddulph, 2007).



شکل ۳. بلوک‌های محیطی با حیاط خصوصی و فضای باز مشترک

منبع: Biddulph, 2007

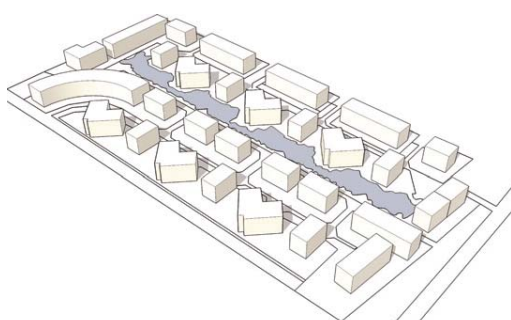


شکل ۲. بلوک‌های محیطی با فضای باز مشترک

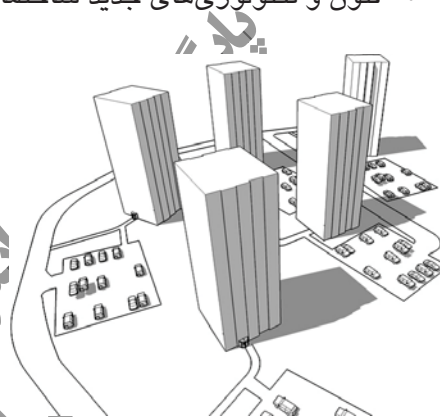
منبع: Biddulph, 2007

بلوک‌های پراکنده^۴ یا نقطه‌ای: از اوایل قرن بیستم و نیز نظر به عقیده لوکوربوزیه مبنی بر اینکه الگوی مسکن کم‌طبقه و زندگی در خانه و زمین شخصی باعث هدر رفتن زمین می‌شد، زندگی در ساختمان‌های بلندمرتبه‌ای که در میان فضای سبز پراکنده شده‌اند، به‌عنوان راه‌حلی کارآ در برنامه‌ریزی کاربری زمین مطرح شد (Schoenauer, 2000, 473). بنابراین آپارتمان‌هایی به‌صورت بلوک‌های پراکنده یا نقطه‌ای طراحی شده‌اند (شکل ۴ و ۵). مبنای منطقی این‌گونه طراحی توسط معماران به این ترتیب پیشنهاد شده است (Biddulph, 2007):

- نوعی محیط مسکونی ایجاد کند که تهویه مناسب و نور را برای خانه‌ها فراهم آورد.
- افراد را از آنچه که به‌عنوان محدودیت‌های محیط‌های خیابانی کسل‌کننده تصور می‌شود، رها سازد.
- فزایش روزافزون ماشین را در خود جای دهد.
- فنون و تکنولوژی‌های جدید ساختمان‌سازی را به‌کار برد.

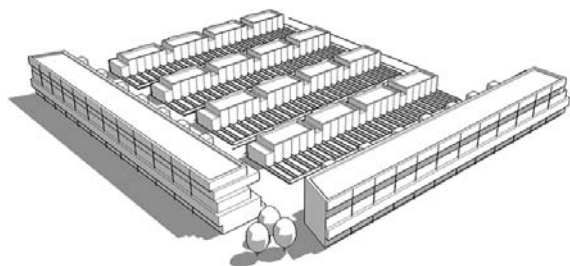


شکل ۵. بلوک‌های پراکنده
منبع: Biddulph, 2007



شکل ۴. بلوک‌های پراکنده
منبع: Biddulph, 2007

بلوک‌های متمرکز^۶: این‌گونه متعلق به گروهی از مجتمع‌ها است که بلوک مسکونی در قسمتی از زمین متمرکز شده است و مابقی به فضای باز اختصاص یافته است (شکل ۶). این‌گونه بیشتر در برج‌های مسکونی رایج است (Biddulph, 2007).
ابر بلوک‌ها: در این‌گونه طراحان اغلب بلوک‌های پیرامونی را شکل می‌دهند که سایر بلوک‌ها را احاطه کرده یا از آنها محافظت می‌نماید (شکل ۷). این‌گونه طراحی اجازه می‌دهد تا محیط ایمن و ساکت‌تری در میان مجموعه تحقق یابد (Biddulph, 2007).



شکل ۷. ابر بلوک‌ها
منبع: Biddulph, 2007



شکل ۶. بلوک‌های متمرکز
منبع: Biddulph, 2007

گونه‌شناسی مسکن جمعی با معیار ارتفاع

ارتفاع ساختمان که بر کیفیت دید، منظر، حس محصوریت و همچنین ادراک انسان از ابعاد و مقیاس فضا تأثیرگذار است، به‌عنوان عامل اولیه گونه‌شناسی در بسیاری از تحقیقات در خصوص مجتمع‌های مسکونی مورد توجه قرار گرفته است (Schneider, 1997). از میان برخی از انواع آپارتمان‌های مسکونی از جنبه تعداد طبقات که در کشورهای غربی و سپس به‌تبع آن در ایران تجربه گردیده، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود (شوئنوئر، ۱۳۸۰):

- آپارتمان‌هایی با طبقات کم (کوتاه‌مرتبه): این آپارتمان‌ها که آغازگر تغییر و تحول در مسکن سنتی بودند، در واقع خانه‌های مستقلی بودند که در سه و یا حداکثر چهار طبقه بر روی هم قرار می‌گرفتند و شامل یک فضای باز مشاع بودند. اگرچه امروزه ساخت این نوع ساختمان به‌لحاظ اقتصادی به‌صرفه نیست، ولی با توجه به توانایی‌های فنی و شرایط فرهنگی زمان خود، آغازگر تحولی در ساخت مسکن بودند (باور، ۱۳۸۴، ۱۳۰).

- آپارتمان‌هایی با ارتفاع متوسط (میان‌مرتبه): مجتمع‌های مسکونی با ارتفاع متوسط شامل ساختمان‌هایی چهار تا هشت طبقه هستند. قبل از اختراع آسانسور ارتفاع ساختمان‌ها محدود به اندازه‌ای می‌شد که هر فرد می‌توانست برای رسیدن به واحد مسکونی خود از پله‌ها بالا رود؛ ولی بعد از اختراع آسانسور با رواج یافتن آنها این نوع مجتمع‌ها برای طبقه کم‌درآمد و متوسط و حتی برای خانواده‌هایی با درآمد بالا نیز ساخته شد (شوئنوئر، ۱۳۸۰، ۱۲۶).

- آپارتمان‌های بلند و برج‌های مسکونی (بلندمرتبه): نحوه انتظام فضایی واحدهای مسکونی بلندمرتبه نسبت به ساختمان‌های دیگر متفاوت است. در این آپارتمان‌ها به استفاده بهینه از فضا جهت ایجاد راحتی تأکید می‌شود. در این آپارتمان‌ها توجه به زندگی سالم از طریق دستیابی به نور خورشید، هوای تازه، تهویه مطبوع ساختمان، لوله‌کشی آب سرد و گرم، سیستم فاضلاب بهداشتی معطوف است.

معیارهای ارزیابی کیفی مجموعه‌های مسکونی

اندازه‌گیری میزان مطلوبیت مجموعه‌های مسکونی پیچیده است و به عوامل بسیاری بستگی دارد. محیطی با کیفیت بالا، احساس رفاه و رضایت‌مندی به کاربرانش را به‌واسطه ویژگی‌هایی فیزیکی، اجتماعی و سمبلیک منتقل می‌کند (Gifford, 2002). کیفیت محیط مفهومی چندبعدی و سلسله‌مراتبی است و در سال‌های اخیر مطالعات متعددی در مورد شاخص‌های بهبود کیفیت محیط صورت گرفته است. با تلفیق دیدگاه‌های مختلف و با تکیه بر تعریف کانتر^۷ (۱۹۷۷) در رویکردی جامع نسبت به مکان، می‌توان سه بخش کلی را نام برد که به موجب آنها پیوندی عاطفی بین فرد و محیط زندگی‌اش حاصل می‌شود که در نهایت به حس مکان و رضایت‌مندی از آن محیط می‌انجامد (دانشپور، ۱۳۸۲). زمینه اول «ویژگی‌های کالبدی محیط» شامل اجزای محیط کالبدی نظیر دید و منظر، مقیاس، نشانه‌ها، نسبت بین توده و فضا است که به گفته لینچ^۸ موجب هویت و خوانایی محیط می‌شوند. زمینه دوم «فعالیت‌ها»، شامل سرزندگی و رفتارهای مردم است و زمینه سوم «معنی»، شامل جذابیت‌ها، عملکردهای ادراکی و ارزیابی‌های کیفی محیط است.

با توجه به مطالعاتی که بر روی بیش از ۱۰۰۰ فضای عمومی شهری از جمله مجتمع‌های مسکونی در کشورهای مختلف جهان صورت گرفته است و همچنین با استفاده از مرور تحقیقات مشابه که رفیعیان و همکاران (۱۳۸۹)، رفیعیان و خدایی (۱۳۸۸)، قاسمی اصفهانی (۱۳۹۰)، رفیعیان و سیفایی (۱۳۸۴) و بابا^۹ و آویستین^{۱۰} (۱۹۸۹) و نظرات بنتلی‌ای‌ین^{۱۱} (بنتلی و همکاران، ۱۳۸۲) مشخص گردید که عوامل زیر جهت سنجش مطلوبیت کیفی فضاهای مسکونی و میزان

- رضایت‌مندی استفاده‌کنندگان از آنها از اهمیت بیشتری برخوردارند:
۱. دسترسی^{۱۲} و نفوذ پذیری^{۱۳}: قابلیت دسترسی به فضاهای مختلف و امکان ارتباط بصری بین نقاط مختلف.
 ۲. تمایز و خوانایی^{۱۴}: کیفیتی که محیط را از نظر فیزیکی، فعالیتی و بصری متمایز و امکان بازشناسی آن را فراهم می‌سازد.
 ۳. آسایش^{۱۵} و آرامش: آسایش اقلیمی و آرامش روانی ساکنان.
 ۴. ایمنی و امنیت: امکان نظارت و امنیت اجتماعی و فراهم‌بودن شرایط ایمنی فیزیکی.
 ۵. سرزندگی و اجتماع‌پذیری^{۱۶}: قابلیت فضا در استفاده‌های متنوع و تعریف ساختارهای کالبدی مناسب جهت فعالیت اجتماعی اقشار مختلف ساکنان.
 ۶. تنوع و پویایی عملکردها: کارآیی، تنوع فضایی و آزادی انتخاب در قابلیت به اجرا درآمدن طیفی از فعالیت‌های مختلف.

بر این اساس جهت مراحل روند ارزیابی، مدل تجربی سلسله‌مراتبی سنجش میزان مطلوبیت محیط در سه سطح شامل معرفی معیارهای سنجش کیفیت، اهداف مورد نظر هر معیار و راهبردهای متناسب با این اهداف، به‌عنوان خط‌مشی ارزیابی کیفی مجتمع‌های مسکونی شهر تبریز در قالب جدول ۱ ارائه می‌گردد.

جدول ۱. معیارهای مؤثر در ارزیابی کیفی مجموعه‌های مسکونی

سطح اول: معیار سنجش کیفیت	سطح دوم: هدف معیار	سطح سوم: راهبرد معیار
دسترسی و نفوذ پذیری	ایجاد عوامل پیونددهنده محوطه مسکونی با محیط پیرامون	* نفوذ عناصر طبیعی اطراف به درون محوطه مسکونی * امکان دسترسی از بیرون به درون محوطه مسکونی
	بسته نبودن محوطه در حین کنترل دسترسی	* نداشتن مرزهای فیزیکی که باعث انقطاع دیداری شود * برقراری روابط اجتماعی با خارج محوطه مسکونی
	آزادی حرکت و فعالیت در محوطه مسکونی	* امکان دسترسی ساکنان محوطه مسکونی به همه قسمت‌های آن * انحصاری نکردن فضاهای محوطه جهت انجام فعالیتی خاص
تمایز و خوانایی	نفوذ فضاهای خالی عمومی میان فضاهای ساخته شده	* وجود عرصه‌های باز عمومی درون محوطه مسکونی * تبدیل معابر به فضای مکث و نه فقط فضای عبور
	امکان راهیابی	* امکان تشخیص جهت و موقعیت‌سنجی * وجود عناصر نشانه‌ای در سطح محوطه مسکونی
	برخورداری از وضوح کالبدی و پرهیز از یکنواختی	* برخورداری از سلسله‌مراتب قابل درک * وجود تمایز کالبدی و فعالیتی در کالبدهای مشابه * بهره‌گیری از توالی در استقرار توده‌ها و فضاها
آسایش و آرامش	فراهم‌آوردن شرایط آسایش اقلیمی	* بهره‌گیری مناسب از تابش آفتاب و کنترل کوران هوا و بارش
	تقلیل آلودگی صوتی و تعدیل ازدحام	* کنترل سر و صدا و تعدیل تجمع افراد و خودروها
	فراهم بودن شرایط آسایش روانی	* مشخص بودن حریم و سلسله‌مراتب فضاهای خصوصی و عمومی * تناسب کالبدها و فعالیت‌ها * حضور عناصر طبیعی و گیاهی و چشم اندازهای بصری

سطح اول: معیار سنجش کیفیت	سطح دوم: هدف معیار	سطح سوم: راهبرد معیار
ایمنی و امنیت	امکان نظارت ساکنان بر عرصه عمومی	* افزایش حضور ساکنان در عرصه عمومی محوطه مسکونی * قابل رؤیت بودن عرصه عمومی و کنترل و نظارت اجتماعی
	فراهم آوردن شرایط ایمنی	* فراهم آوردن شرایط ایمنی در شب * فراهم آوردن شرایط ایمنی در عرصه عمومی و خصوصی
سرزندگی و اجتماع‌پذیری	امکان حضور گروه‌های مختلف ساکنان در سطح محوطه مسکونی	* امکان فعالیت گروه‌های مختلف در محوطه مسکونی * وجود عوامل جذاب برای گروه‌های مختلف اجتماعی * وجود عوامل ترغیب‌کننده برای حرکت و تجمع
	تعلق محوطه مسکونی به ساکنان از جهت مسئولیت اداره مجتمع	* مشارکت ساکنان در نگهداری از عرصه‌های عمومی * دخل و تصرف و شخصی‌سازی محوطه‌های عمومی و خصوصی
تنوع و پویایی عملکردها	پرهیز از یکنواختی و انعطاف‌پذیری فضاها و فعالیت‌ها	* عدم غلبه هندسه خشک و وجود تنوع و تمایز در طراحی * استفاده از عناصر نشانه و گره
	بها دادن به فضاهای خالی به‌عنوان بستر زندگی جمعی	* فقدان عوامل ایجادکننده انقطاع فعالیت و بصری در محوطه مسکونی * وجود فضاهای چند عملکردی
		* ارزش دادن به فضاهای باز درون محوطه مسکونی * برقراری ارتباط میان فضای باز مابین بلوک‌ها و فضاهای باز عمومی

منبع: نگارندگان (بر اساس قاسمی اصفهانی، ۱۳۹۰)

ارزیابی کیفی گونه‌های مختلف مجموعه‌های مسکونی

پس از واکاوی معیارهایی جهت گونه‌شناسی مجموعه‌های مسکونی و همچنین معیارهایی جهت ارزیابی کیفیات فضایی مجموعه‌های مسکونی (جدول ۱)، به ارزیابی نقاط قوت و ضعف هر یک از معیارهای کیفی در گونه‌های مختلف مجموعه‌های مسکونی پرداخته می‌شود. اطلاعات ارائه شده در جدول ۲ در قالب ماتریسی، گونه‌های مختلف همنشینی فضای باز و بسته را از جنبه معیارهای کیفی مطرح در مجموعه‌های مسکونی (جدول ۱) مورد تحلیل قرار می‌دهد تا بتوان با آشنا شدن با نقاط قوت و ضعف گونه‌های مختلف همنشینی فضای باز و بسته از جنبه معیارهای کیفی، در بخش موردپژوهی به بحث و ارائه راهکار پیشنهادی پرداخت.

جدول ۲. بررسی کیفیات فضایی مجموعه‌های مسکونی با معیار همنشینی فضاهای باز و بسته

معیار سنجش کیفیت	الگو ویژگی	خطی	محیطی	پراکنده	متمرکز	ابر بلوک‌ها
دسترسی و نفوذپذیری	مزایا	* دسترسی آسان به بلوک‌ها با لحاظ عملکردی * ایجاد فضاهای باز خصوصی مابین بلوک‌ها	* ارتباط مستقیم بلوک‌ها با فضای باز * امکان دید گسترده و فراخ	* ارتباط مناسب فضای باز و بلوک‌ها * سلسله‌مراتب مناسب دسترسی به بلوک‌ها	* منعطف بودن حدود محوطه در روند توسعه	* دسترسی آسان به درون دانه‌ها، به لحاظ عملکردی * ایجاد محیطی خصوصی با محصوریت نسبی برای بلوک‌های میانی
	معایب	* نبود ورودی‌های شاخص و قابل آدرس‌دهی * ایجاد فضاهای دور از دسترسی در بلوک‌های انتهایی و فضای مابین بلوک‌ها با محوطه پیرامونی	* نبود ورودی‌های شاخص و قابل آدرس‌دهی * منعطف نبودن حدود محوطه * انقطاع نفوذپذیری به لحاظ منفک‌بودن محوطه درون و پیرامون بلوک‌ها	* ایجاد فضاهای پرت و دور از دسترس به لحاظ پراکندگی بلوک‌ها * ناهمگونی در تناسب توده و فضا در صورت عدم توجه در طراحی هم‌زمان	* نبود مرزهای شاخص و قابل آدرس‌دهی * کاهش نفوذپذیری به لحاظ منفک‌شدن محوطه به چند بخش	* نبود ورودی‌های شاخص و قابل آدرس‌دهی * ایجاد فضاهای دور از دسترس در بلوک‌های انتهایی و فضای مابین بلوک‌های میانی با بلوک‌های پیرامونی
تمایز و خوانایی	مزایا	* وجود تجانس کلی میان بلوک‌های مجموعه * ریتم حجمی در استقرار توده‌ها	* امکان تشخیص جهت به لحاظ هندسه مرکزی * سلسله‌مراتب قابل ادراک به دلیل عرصه خصوصی مرکزی و عرصه عمومی بیرونی * تراکم مناسب توده نسبت به فضا به دلیل هندسه غالب * تجانس و ریتم حجمی میان بلوک‌ها	* امکان تشخیص جهت به لحاظ تنوع و پراکندگی بلوک‌ها * اختیار در اجتناب از تشابه بلوک‌ها * امکان ایجاد گره‌های شاخص در محوطه	* تشخیص آسان بلوک‌ها به لحاظ عملکردی * آزادی و امکان ایجاد گره‌هایی جهت موقعیت‌سنجی	* وجود تجانس کلی میان بلوک‌ها * ریتم حجمی در استقرار توده‌ها * امکان تشخیص جهت و موقعیت به لحاظ جهت‌دار بودن بلوک‌های پیرامون
	معایب	* عدم تشخیص جهت به لحاظ ساختار یکنواخت * یکنواختی و تشابه بلوک‌ها و ورودی‌ها	* تشابه بلوک‌ها و عدم گوناگونی آنها	* ناهمگونی در تناسب توده و فضا در صورت عدم توجه در طراحی هم‌زمان * عدم تشخیص جهت در صورت یکنواختی کالبدی	* عدم تشخیص جهت به لحاظ ساختار متمرکز	* عدم تشخیص جهت در بلوک‌های میانی به لحاظ ساختار یکنواخت * یکنواختی و تشابه بلوک‌ها و ورودی‌ها
مزایا	اولویت در جهت‌گیری فضای	* بهره‌گیری مناسب از نور به لحاظ فضای باز مرکزی	* نورگیری مناسب، تهویه طبیعی و عدم اشراق بین بلوک‌ها در	* امکان تهویه و نور مطلوب به لحاظ محوطه باز پیرامونی	* ایجاد حریم خصوصی در فضای	

معیار سنجش کیفیت	الگو ویژگی	خطی	محیطی	پراکنده	متمرکز	ابر بلوک‌ها
آسایش و آرامش		زندگی به سمت نور مطلوب * امکان ایجاد حریم خصوصی در فضای مابین بلوک‌ها	* امکان دسترسی آسان و برابر بلوک‌ها به فضا و امکانات فضای باز مرکزی * عدم اشراف بلوک‌ها نسبت به هم	صورت رعایت فاصله مناسب * آزادی عمل در استقرار بلوک‌ها، با توجه به توصیه‌های اقلیمی * امکان ایجاد حریم خصوصی در فضای مابین بلوک‌ها	* چشم‌انداز فراخ و گشوده به دلیل محوطه باز پیرامونی * دسترسی به چشم‌انداز مطلوب در بلوک‌های پیرامونی * اولویت در جهت‌گیری فضای زندگی به سمت نور مطلوب	مابین بلوک‌های پیرامونی * دسترسی به چشم‌انداز مطلوب در بلوک‌های پیرامونی * اولویت در جهت‌گیری فضای زندگی به سمت نور مطلوب
معایب	* کوران هوا در صورت عدم توجه به توصیه‌های اقلیمی * سایه‌اندازی و نقاط محروم از تابش، در صورت تراکم توده‌ها * نبود حریم بصری در بلوک‌های متقابل * دید نامطلوب بلوک‌های پیرامونی در صورت مجاورت با بافت مشکل‌دار	* کوران هوا در صورت عدم توجه به توصیه‌های اقلیمی * نبود حریم بصری در بلوک‌های متقابل در صورت عدم رعایت فاصل * سایه‌اندازی و نقاط محروم از تابش در صورت تراکم توده‌ها	* ایجاد ازدحام در محوطه مرکزی * از بین رفتن فضاهای خصوصی به دلیل ساختمان متمرکز فضای باز * عدم تناسب جهت‌گیری برخی بلوک‌های پیرامونی با توصیه‌های اقلیمی	* کوران هوا در صورت عدم توجه به توصیه‌های اقلیمی * نبود حریم بصری در بلوک‌های متقابل در صورت عدم رعایت فاصل * سایه‌اندازی و نقاط محروم از تابش در صورت تراکم توده‌ها	* محدودیت در نورگیری و تهویه فضاهای میانی بلوک * نبود حریم خصوصی در محوطه پیرامون بلوک متمرکز	* کوران هوا در صورت عدم توجه به توصیه‌های اقلیمی * سایه‌اندازی و نقاط محروم از تابش، در صورت تراکم توده‌ها * نبود حریم بصری در بلوک‌های متقابل * دید نامطلوب بلوک‌های پیرامونی در صورت مجاورت با بافت مشکل‌دار
ایمنی و امنیت	مزایا	* دسترسی آسان به بلوک‌ها، به لحاظ عملکردی در مواقع اضطراری * نظارت و کنترل اجتماعی ساکنان به فضای باز مابین بلوک‌ها	* وجود حریم برای فضای مرکزی، به دور از حریم شهر * امکان نظارت و کنترل اجتماعی بر فضای باز مرکزی	* نظارت و کنترل اجتماعی ساکنان به فضای باز مابین بلوک‌ها	* نظارت و کنترل اجتماعی ساکنان به فضای باز پیرامونی بلوک‌ها	* امکان نظارت و کنترل اجتماعی ساکنان به فضای باز مابین بلوک‌ها * ایجاد محیط ایمن در میان مجموعه
معایب	* ایجاد گوشه‌های خلوت و دور از نظارت اجتماعی در لبه اتصال مجتمع با محیط پیرامون	* ایجاد فضاهای خلوت در پشت بلوک‌ها در لبه اتصال مجتمع با محیط پیرامون	* عدم محصوریت مناسب، به لحاظ چیدمان پراکنده * ایجاد گوشه‌های خلوت و دور از نظارت اجتماعی در لبه اتصال مجتمع با محیط پیرامون	* عدم محصوریت مناسب، به لحاظ چیدمان پراکنده * ایجاد گوشه‌های خلوت و دور از نظارت اجتماعی در لبه اتصال مجتمع با محیط پیرامون	* پایین بودن حس امنیت و کنترل اجتماعی، به دلیل عدم وجود سلسله‌مراتب از فضای عمومی تا خصوصی	* ایجاد گوشه‌های دور از نظارت اجتماعی در پشت بلوک‌ها و لبه اتصال مجتمع با محیط پیرامون * ایجاد حس ناامنی در بلوک‌های پیرامونی در صورت مجاورت با بافت ناهمگون اجتماعی

معیار سنجش کیفیت	الگو ویژگی	خطی	محیطی	پراکنده	متمرکز	ابری بلوکها
سرزندگی و اجتماع پذیری	مزایا	* تشویق به پیاده‌روی * به‌لحاظ هندسه خطی و طولی * امکان دخیل و تصرف و شخصی‌سازی فضا توسط ساکنان در عرصه‌های خصوصی بین بلوکها	* سرزندگی و تصویر اجتماعی مثبت به‌لحاظ امکان تجمع و فعالیت‌های جمعی در فضای باز مشترک	* بستر فعالیت‌های اجتماعی در فضای باز بین بلوکها * امکان دخیل و تصرف و شخصی‌سازی فضا توسط ساکنان در عرصه‌های خصوصی بین بلوکها	* امکان ایجاد فضایی عمومی جهت اجتماع‌پذیری در فضای باز پیرامون بلوک	* امکان اجتماع‌پذیری در حین محصوریت در فضای باز درون مجموعه * امکان دخیل و تصرف و شخصی‌سازی فضا توسط ساکنان در عرصه‌های خصوصی بین بلوکها
	معایب	* کمبود فضاهای چشمی جهت تشویق به اجتماع‌پذیری ساکنان * کاهش انعطاف‌پذیری اجداد تغییرات کالبدی به‌دلیل هندسه غالب خطی	* عدم سرزندگی در فضاهای پشت بلوکها * امکان دخیل و تصرف و انعطاف‌پذیری کمتر در فضای باز مرکزی به‌دلیل تعلق به همه ساکنان	* یکنواختی و هم‌ارزش شدن فضای باز میان ساختمان‌ها به‌دلیل خرد شدن فضاهای باز * ایجاد خرده فضاهای باز کم‌کاربرد و کاهش اجتماع‌پذیری	* کاهش اجتماع‌پذیری در مقیاس‌های کوچک به‌دلیل نبود حریم‌های فضایی تعریف شده	* ایجاد فضاهای باز کم‌کاربرد در ارتباط بلوکهای پیرامونی با بلوکهای میانی
تنوع و پویایی عملکردها	مزایا	* ایجاد طیف متنوعی از فضاهای خصوصی در فضای باز میان بلوکها	* امکان تنوع فضایی و فعالیتی در فضای باز مرکزی * قابلیت انعطاف‌پذیری فضاهای عملکردها در محوطه مرکزی	* ایجاد طیف متنوعی از حریم‌های خصوصی و عمومی در فضای مابین بلوکها * ایجاد بستر مناسب برای عملکردها و کیفیات متنوع در فضای مابین بلوکها	* امکان ایجاد فضاهای متنوع و منعطف در فضای باز پیرامونی	* قابلیت ایجاد طیف متنوعی از حریم‌های خصوصی با عملکردهای متنوع در فضای باز میان بلوکها
	معایب	* یکنواختی و کسالت فضاهای خطی مابین بلوکها * خرد شدن فضای باز و کاهش انعطاف‌پذیری عملکردی در ساختار خطی بین بلوکها	* کاهش تنوع و انعطاف در فضای باز مرکزی تحت‌الشعاع هندسه غالب * عدم پویایی عملکردها بین فضای مرکزی و فضای پشت بلوکها	* قابلیت ایجاد آشفتگی، عدم انسجام و یکنواختی به‌لحاظ چیدمان پراکنده بلوکها * ایجاد خرده‌فضاهای باز کم‌کاربرد و دور از دسترس	* کاهش تنوع و آزادی در انتخاب آگاهانه فعالیت‌ها به‌دلیل عدم وجود مرزهای فیزیکی در فضای باز پیرامونی	* قابلیت تبدیل به فضاهای کم‌کاربرد و یکنواخت در فضای مابین بلوکها

منبع: نگارندگان

اطلاعات ارائه شده در جدول ۳ در قالب ماتریسی، گونه‌های مختلف ارتفاعی را از جنبه معیارهای کیفی مطرح در مجموعه‌های مسکونی (جدول ۱) مورد تحلیل قرار می‌دهد تا بتوان با آشنا شدن با نقاط قوت و ضعف گونه‌های مختلف ارتفاعی از جنبه معیارهای کیفی، در بخش موردپژوهی به بحث و ارائه راهکار پیشنهادی پرداخت.

جدول ۳. بررسی کیفیات فضایی مجموعه‌های مسکونی با معیار ارتفاع

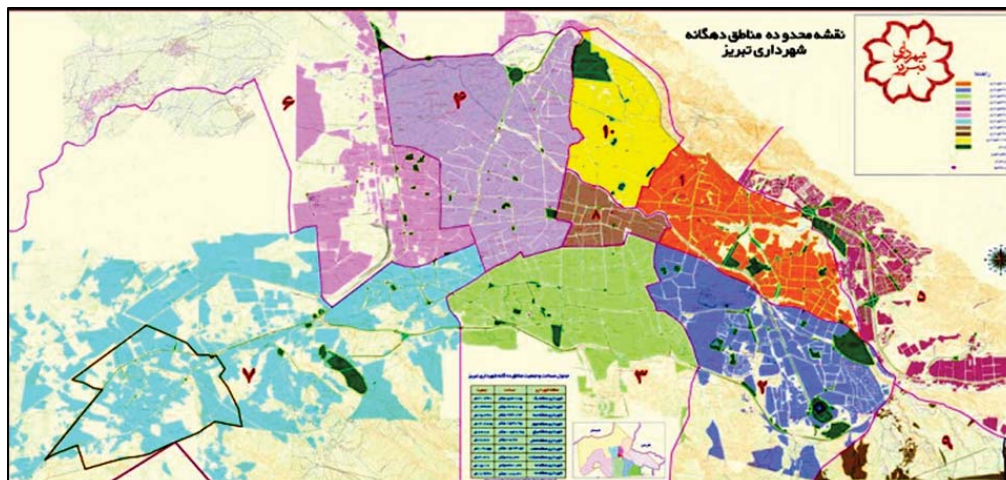
معیار سنجش کیفیت	الگو ویژگی	کوتاه مرتبه	میان مرتبه	بلند مرتبه
دسترسی و نفوذپذیری	مزایا	* نفوذپذیری بصری و کلامی با محیط بیرونی * دسترسی آسان به واحدها، به لحاظ طبقات کم	* امکان ایجاد ارتباط بصری با محیط بیرون	* ایجاد چشم‌انداز بصری گسترده به لحاظ ارتفاع
	معایب	-	-	* دسترسی مشکل به طبقات و فضای عمومی در صورت قطع ارتباطات الکتریکی * کاهش ارتباط بصری با محوطه بیرونی و نتیجتاً کاهش نظارت اجتماعی
تمایز و خوانایی	ازایا	* امکان تشخیص جهت و خوانایی به جهت رعایت مقیاس انسانی در صورت رعایت تنوع و تجانس حجی	* امکان موقعیت‌سنجی به دلیل تظاهر خارجی و مرتفع بودن بلوک‌ها	* امکان تشخیص جهت و خوانایی به دلیل ارتفاع بلند * ایفای نقش به عنوان نشانه شهری
	معایب	* پایین بودن امکان تشخیص و موقعیت‌سنجی، در مجاورت بلوک‌های مرتفع	* پایین بودن امکان تشخیص و موقعیت‌سنجی، در مجاورت بلوک‌های مرتفع‌تر	* ایجاد کیفیت‌های بصری نامناسب در مقیاس دید انسانی
آسایش و آرامش	مزایا	* سایه‌اندازی مناسب در فضای باز به لحاظ ارتفاع کم * ایجاد احساس آرامش روانی به دلیل ارتباط بصری با فضای سبز	* توالی مناسب آفتاب و سایه در عرصه عمومی، در صورت رعایت فاصله مناسب * ایجاد احساس آرامش روانی به لحاظ امکان ارتباط بصری هر چند محدود با فضای سبز * ایجاد فضایی آرام و دور از تردد خودرو و ازدحام انسانی در طبقات بالا	* امکان استفاده مناسب از نور طبیعی در ارتفاع * ایجاد چشم‌انداز مناسب به منظر شهری * ایجاد فضایی آرام و دور از تردد خودرو و ازدحام انسانی در طبقات بالا
	معایب	* عدم آرامش به دلیل سروصدای ناشی از تردد خودرو و ازدحام انسانی به لحاظ ارتفاع کم	-	* سایه‌اندازی و ایجاد خرد اقلیم‌های نامناسب * احساس لرزش بیشتر در اثر زلزله و باد
ایمنی و امنیت	مزایا	* نظارت اجتماعی ساکنان بر عرصه عمومی به لحاظ ارتفاع کم	* احساس امنیت، شناخت متقابل ساکنان و کنترل رفتارهای مخرب به دلیل جمعیت کم ساکنان	* مناسب برای گروه‌های مرفه جامعه، با امکان پرداخت هزینه جهت استفاده از تسهیلات مشترک و امنیت

بلندمرتبه	میان مرتبه	کوتاه مرتبه	الگو	
			ویژگی	معیار سنجش کیفیت
	* کنترل و نظارت اجتماعی نسبی ساکنان بر عرصه عمومی	* احساس امنیت، شناخت متقابل ساکنان و کنترل رفتارهای مخرب به دلیل جمعیت کم ساکنان		
	* سخت بودن نسبی مدیریت و کنترل بحران، به هنگام بروز سوانح	-	معایب	
	* سخت بودن مدیریت و کنترل بحران، به هنگام بروز سوانح * ایجاد حس ناامنی و بیگانگی به دلیل جمعیت زیاد ساکنان			
	* تقویت صمیمیت اجتماعی و حس تعلق به واسطه شناخت نسبی ساکنان	* تقویت صمیمیت اجتماعی و حس تعلق به واسطه تقویت دیدارها و شناخت متقابل ساکنان	مزایا	سرزندگی و اجتماع پذیر ی
	* ضعف روابط اجتماعی و همسایگی به دلیل تراکم جمعیت	-	معایب	
	* کاهش کسالت فرم‌های اولیه و قابلیت ایجاد تنوع حجمی	-	مزایا	تنوع و پویایی عملکردها
	* کاهش تنوع فضایی به دلیل تراکم بالا و عدم تناسب سرانه فضاهای باز	* قابلیت نسبی ایجاد کسالت و یکنواختی حجمی	معایب	

منبع: نگارندگان

مورد پژوهی

مورد پژوهی باید به صورت هدفمند انتخاب شود تا اطلاعات عمیق و غنی برای پاسخگویی به سؤالات تحقیق فراهم آورد. بنابراین لازم است راهبرد نمونه‌گیری نظریه‌محور و عملیاتی را دنبال نمود (Patton, 2001). به همین دلیل این نوشتار نیز در مرحله اول نسبت به جمع‌آوری اطلاعات مجتمع‌های مسکونی شهر تبریز که در ۱۰ منطقه شهرداری پراکنده بودند (شکل ۸) اقدام نمود. مجتمع‌های مسکونی در مورد پژوهی این نوشتار به مجموعه‌هایی اطلاق می‌گردد که توسط یک تیم طراحی و به صورت هماهنگ با تعداد طبقات بیش از ۳ طبقه ساخته شده باشند و حائز دو معیار در دست بهره‌برداری بودن و منفک بودن محدوده مجتمع مسکونی از محیط شهری (مرز قطعی) باشند.



شکل ۸. تقسیمات مناطق شهرداری شهر تبریز
منبع: مرکز اسناد شهرداری مرکزی تبریز، ۱۳۹۲

سپس بر اساس اطلاعات برداشت شده میدانی و دو معیار مطرح در گونه‌شناسی مجتمع‌های مسکونی (ارتفاع و همنشینی فضاهای باز و بسته)، الگوی گونه‌شناسی مجتمع‌های مسکونی شهر تبریز تدوین گردید. جدول ۴ روند انجام پژوهش، معیارها، ابزارها و دستاوردهای هر بخش را نشان می‌دهد.

جدول ۴. مراحل انجام، معیار و ابزار بخش‌های مختلف پژوهش

هدف	انتخاب مناطق	شناخت دامنه موضوع با معیار ارتفاع	شناخت دامنه موضوع با معیار نحوه ترکیب فضای باز و بسته	گونه‌شناسی موضوع
معیار	بررسی فراوانی مجتمع‌های مسکونی در کل مناطق شهر	بررسی مجتمع‌های مسکونی از لحاظ تعداد طبقات	بررسی مجتمع‌های مسکونی از لحاظ نحوه ترکیب فضای باز و بسته	بررسی نحوه همنشینی فضاهای باز و بسته در مجتمع‌های مسکونی با ارتفاع‌های مختلف و بالعکس
ابزار	اطلاعات میدانی	مشاهده میدانی	مشاهده میدانی	مشاهده میدانی Google earth
نتیجه	شناسایی مجتمع‌های مسکونی مناطق ۱۰گانه شهر تبریز (رجوع به جدول ۵)	طبقه‌بندی مجتمع‌های مسکونی با معیار ارتفاع (رجوع به جدول ۶)	طبقه‌بندی مجتمع‌های مسکونی با معیار همنشینی فضای باز و بسته (رجوع به جدول ۷)	جدول گونه‌شناسی مجتمع‌های مسکونی شهر تبریز (رجوع به جدول ۸ و ۹)

منبع: نگارندگان (بر اساس عینی‌فر و قاضی‌زاده، ۱۳۸۹)

مطابق با روند ارائه شده در جدول ۴، در گام اول کلیه مجتمع‌های مسکونی واجد شرایط پژوهش شناسایی و مورد بازدید میدانی قرار گرفتند که فراوانی مجتمع‌های حائز شرایط در مناطق ۱۰گانه شهر تبریز به شرح جدول ۵ است.

جدول ۵. بررسی فراوانی مجتمع‌های مسکونی در شهر تبریز

نام منطقه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	جمع کل
تعداد مجتمع	۲۸	۴۱	۲۷	۳۱	۳۹	۴	۰	۳	۰	۷	۱۸۰
مجموع واحد	۵۶۴۰	۷۵۰۶	۶۱۵۳	۵۳۸۴	۵۵۳۲	۱۲۹۶	۰	۵۶۲	۰	۷۱۳	۳۲۷۸۶

منبع: نگارندگان

طبقه‌بندی مجتمع‌های مسکونی شهر تبریز با معیار ارتفاع

در مرحله دوم به بررسی مجتمع‌های مسکونی از لحاظ تعداد طبقات پرداخته شد که طبقه‌بندی ارتفاعی متناسب با ارتفاع مجموعه‌های مسکونی شهر تبریز در سه‌گونه کوتاه‌مرتبه (۳-۵ طبقه)، میان‌مرتبه (۵-۱۰ طبقه) و بلندمرتبه (بالای ۱۰ طبقه) تقسیم‌بندی شد که در جدول ۶ اطلاعات مربوطه ارائه شده است. یافته‌های این بخش از تحقیق حاکی از فراوانی مجتمع‌های کوتاه‌مرتبه در مجتمع‌های مسکونی شهر تبریز بود.

جدول ۶. طبقه‌بندی مجتمع‌های مسکونی شهر تبریز با معیار ارتفاع

نام منطقه	کوتاه‌مرتبه (۳-۵ طبقه)		میان‌مرتبه (۵-۱۰ طبقه)		بلندمرتبه (بالای ۱۰ طبقه)	
	تعداد مجتمع	تعداد واحد	تعداد مجتمع	تعداد واحد	تعداد مجتمع	تعداد واحد
۱	۱۳	۲۷۲۳	۳	۳۶۹	۱۲	۱۵۴۸
۲	۲۵	۳۲۴۲	۷	۱۰۳	۹	۳۴۶۱
۳	۲۱	۴۰۲۲	۴	۱۱۸۷	۲	۹۴۴
۴	۲۶	۴۴۲۶	۳	۵۶۶	۲	۳۹۲
۵	۲۳	۳۹۸۴	۹	۷۰۴	۷	۸۴۴
۶	۴	۱۲۹۶	۰	۰	۰	۰
۸	۲	۳۴۶	۱	۲۱۶	-	-
۱۰	۶	۴۹۷	۱	۲۱۶	۰	۰
جمع کل	۱۲۰	۲۱۵۳۶	۲۸	۴۰۶۱	۳۲	۷۱۸۹
نسبت به کل مجتمع‌ها	٪۶۷	٪۶۶	٪۱۶	٪۱۲	٪۱۸	٪۲۲

منبع: نگارندگان

طبقه‌بندی مجتمع‌های مسکونی شهر تبریز با معیار همنشینی فضای باز و بسته

در مرحله سوم به شناسایی مجتمع‌های مسکونی با معیار نحوه ترکیب فضاهای باز و بسته بر اساس پنج تیپولوژی رایج در مجموعه‌های مسکونی پرداخته شد که در جدول ۷ مشخص گردیده است. یافته‌های این بخش از تحقیق حاکی از گونه غالب پراکنده در همنشینی فضاهای باز و بسته در مجموعه‌های مسکونی سطح شهر تبریز است.

جدول ۷. طبقه‌بندی مجتمع‌های مسکونی شهر تبریز با معیار همنشینی فضای باز و بسته

ترکیب فضای باز و بسته		متمرکز		خطی		محیطی		پراکنده		ابریوک‌ها	
نام منطقه	تعداد مجتمع	تعداد واحد	تعداد مجتمع	تعداد واحد	تعداد مجتمع	تعداد واحد	تعداد مجتمع	تعداد واحد	تعداد مجتمع	تعداد واحد	تعداد مجتمع
۱	۱۲	۸۷۲	۸	۳۴۴۴	۸	۰	۰	۱۳۲۴	۸	۰	۰
۲	۵	۳۱۶	۹	۸۴۱	۶	۱۰۳۷	۲۱	۵۳۱۲	۲۱	۰	۰
۳	۱	۲۴	۱۶	۳۶۷۸	۲	۳۳۶	۸	۲۱۱۵	۸	۰	۰
۴	۷	۵۹۰	۱۶	۳۱۰۰	۲	۶۵۰	۴	۵۹۲	۴	۴۵۲	۲
۵	۱۶	۱۱۸۹	۵	۶۱۰	۹	۱۴۶۰	۹	۲۲۷۳	۹	۰	۰
۶	۰	۰	۱	۳۶۴	۱	۴۸	۲	۹۸۴	۲	۰	۰
۸	۰	۰	۱	۱۹۲	۱	۲۱۶	۱	۱۵۴	۱	۰	۰
۱۰	۱	۲۱۶	۰	۰	۰	۰	۰	۳۷۷	۵	۱۲۰	۱
جمع کل	۴۲	۳۲۰۷	۵۶	۱۲۱۲۹	۲۱	۳۷۴۷	۵۸	۱۳۱۳۱	۳	۵۷۲	۳
نسبت به کل مجتمع‌ها	%۲۳	%۱۰	%۳۱	%۳۷	%۱۲	%۱۱	%۳۲	%۴۰	%۲	%۲	%۲

منبع: نگارندگان

گونه‌شناسی مجتمع‌های مسکونی شهر تبریز

در مرحله چهارم به گونه‌شناسی مجتمع‌های مسکونی شهر تبریز از لحاظ بررسی نحوه همنشینی فضاهای باز و بسته در مجتمع‌های مسکونی با ارتفاع‌های مختلف پرداخته شد که نتیجه در جدول ۸ ارائه شده است. یافته‌های این بخش از تحقیق حاکی از گونه غالب خطی در مجموعه‌های کوتاه‌مرتبه، گونه غالب پراکنده در مجتمع‌های میان‌مرتبه و بلندمرتبه است.

جدول ۸. گونه‌شناسی مجتمع‌های مسکونی شهر تبریز

طبقات	گونه	کوتاه‌مرتبه (۳-۵ طبقه)					میان‌مرتبه (۵-۱۰ طبقه)					بلندمرتبه (بالای ۱۰ طبقه)				
		متمرکز	خطی	محیطی	پراکنده	ابریوک	متمرکز	خطی	محیطی	پراکنده	ابریوک	متمرکز	خطی	محیطی	پراکنده	ابریوک
۱	۲	۵۵	۸	۳۴۴۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۲	۴	۳۰۴	۸	۷۵۱	۵	۹۹۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۳	۱	۲۴	۱۵	۳۲۸	۲	۳۳۶	۳	۲۲۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۴	۴	۳۱۲	۱۶	۳۱۰۰	۱	۳۳۰	۳	۲۲۲	۲	۴۵۲	۲	۲۲۲	۳	۳۳۰	۱	۳۱۰۰
۵	۵	۲۴۶	۴	۵۸۶	۹	۱۴۶۰	۰	۱۶۹۲	۵	۱۶۹۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۶	۰	۰	۱	۳۶۴	۱	۴۸	۲	۹۸۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۸	۰	۰	۱	۱۹۲	۰	۰	۰	۱۵۴	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
جمع کل	۱۶	۹۶۱	۵۲	۱۱۳۶۰	۱۸	۳۱۷۰	۳۰	۵۰۸۸	۳	۵۷۲	۱۱	۹۱۷	۳	۳۶۴	۱۱	۵۷۷
نسبت به																
تعداد	۱۳	۴	۴۴	۵۵	۱۵	۱۵	۲۵	۲۴	۳۰	۳	۳۶	۱۱	۱۱	۹	۱۱	۱۱
طبقات (درصد)																

منبع: نگارندگان

همچنین در این مرحله به گونه‌شناسی مجتمع‌های مسکونی شهر تبریز از لحاظ بررسی ارتفاع مجتمع‌های مسکونی در همنشینی‌های مختلف فضاهای باز و بسته مجتمع‌های مسکونی پرداخته شد که نتایج در جدول ۹ آورده شده است. یافته‌های این بخش از تحقیق حاکی فراوانی بلندمرتبه‌ها در گونه متمرکز و پراکنده و فراوانی کوتاه‌مرتبه در سایر گونه‌ها است.

جدول ۹. گونه‌شناسی مجتمع‌های مسکونی شهر تبریز

گونه	متمرکز			خطی			محیطی			پراکنده			ابر بلوک		
	کوتاه مرتبه	میان مرتبه	بلند مرتبه	کوتاه مرتبه	میان مرتبه	بلند مرتبه	کوتاه مرتبه	میان مرتبه	بلند مرتبه	کوتاه مرتبه	میان مرتبه	بلند مرتبه	کوتاه مرتبه	میان مرتبه	بلند مرتبه
۱	۲	۵۵	۲	۲	۲۴	۳	۳	۲۲۴	۱	۲۵۲	۴	۸۴۸	۰	۰	۰
۲	۴	۳۰۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۳	۱	۲۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۴	۴	۳۱۲	۲	۲۴۶	۲	۳۱۲	۱	۳۳۰	۳	۲۲۲	۱	۳۶۰	۲	۴۵۲	۰
۵	۵	۲۴۶	۶	۳۳۸	۴	۳۶۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۸	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
جمع کل	۱۶	۹۴۱	۱۱	۹۱۷	۱۵	۱۲۴۸	۵۲	۱۱۷۱۵	۳	۲۶۴	۳	۵۸۴۰	۳	۵۷۲	۰
نسبت به گونه (درصد)	۳۶	۲۹	۲۶	۲۹	۳۸	۴۲	۹۷	۱۰۰	۳	۱۰	۱۴	۴۴	۱۰	۱۰	۰

منبع: نگارندگان

بحث و ارائه راهکار

پس از آشنایی با کیفیات فضایی گونه‌های مختلف مجتمع‌های مسکونی (جدول ۲ و ۳)، گونه‌های غالب مجتمع‌های مسکونی شهر تبریز (جدول ۸ و ۹) مورد شناسایی قرار گرفت که نتایج یافته‌های میدانی بنا به معیار ارتفاع، حاکی از فراوانی مجتمع‌های مسکونی کوتاه‌مرتبه و بنا به معیار همنشینی فضای باز و بسته حاکی از فراوانی گونه پراکنده در شهر تبریز بود. گونه‌شناسی مجتمع‌های مسکونی شهر تبریز با دو معیار هم‌زمان ارتفاع و همنشینی فضای باز و بسته حاکی از گونه غالب خطی در مجموعه‌های کوتاه‌مرتبه، گونه غالب پراکنده در مجتمع‌های میان‌مرتبه و بلندمرتبه، فراوانی بلندمرتبه در گونه متمرکز و پراکنده و فراوانی کوتاه‌مرتبه در سایر گونه‌ها بود.

به‌منظور ارتقای میزان کیفیت گونه‌های غالب مجتمع‌های مسکونی در شهر تبریز در چارچوب معیارهای کیفی بررسی شده (جدول ۱) در جهت ارائه راهکار می‌توان مباحثی را به شرح جدول ۱۰ ارائه داد که علاوه بر بحث و بررسی آسیب‌ها، امکان شکل‌گیری طرح‌واره‌ای کلی از مسائل مربوط به کیفیت‌های مجتمع‌های مسکونی شهر تبریز را نیز تسهیل و تقویت نماید.

جدول ۱۰. کیفیات فضایی گونه‌های غالب مجتمع‌های مسکونی شهر تبریز و راهکارهای پیشنهادی

راهکار پیشنهادی	بحث	معیار غالب اول	
		ارتفاع	تیپولوژی پلان
	عدم نیاز به آسانسور، مسائل اقتصادی و سهولت اجرا، باعث برتری نمونه کوتاه‌مرتبه نسبت به بقیه الگوهای ارتفاعی (جدول ۶) در شهر شده که بسته به تراکم منطقه از لحاظ استفاده بهینه از زمین می‌تواند راه‌حل مناسب یا نامناسبی ارزیابی شود.	-	کوتاه‌مرتبه
	رهایی از محدودیت و ایجاد تنوع فضایی باعث برتری الگوی پراکنده نسبت به سایر الگوهای هم‌نشینی فضای باز و بسته (جدول ۷) شده که در صورت توجه به رفع معایب این گونه (جدول ۲) از طریق راهکارهای طراحی معماری می‌تواند راه‌حل مناسب و قابل توصیه‌ای ارزیابی شود.	-	پراکنده
	گونه غالب خطی و کوتاه‌مرتبه که معمولاً در مناطق با تراکم پایین و نسبتاً قدیمی شهر به چشم می‌خورد (جدول ۸ و ۹)؛ با وجود محاسن بلوک کوتاه‌مرتبه (جدول ۳) نظیر سهولت اجرا و ارتباط بصری با محیط پیرامون، از لحاظ استفاده بهینه از زمین در تراکم‌های بالا راه‌حل مناسبی نیست. گونه خطی نیز به‌عنوان محتاطانه‌ترین روش برخورد با طراحی مجموعه مسکونی فاقد کیفیت‌هایی نظیر خوانایی، سرزندگی و تنوع است (جدول ۲). همچنین که این گونه همسازي مناسبی با اقلیم منطقه و شرایط آب‌وهوایی اقلیمی منطقه دارد ولی افزایش بی‌رویه تراکم ساختمانی در گونه مورد نظر می‌تواند باعث کم‌رنگ شدن هویت معماری و شهرسازی بومی شهر تبریز شود.	خطی	کوتاه‌مرتبه
	گونه غالب میان‌مرتبه و پراکنده که معمولاً در بخش‌های تازه تأسیس شهر به چشم می‌خورد (جدول ۸)؛ به دلیل استفاده بهینه از زمین، رهایی از محدودیت و امکان ایجاد تنوع فضایی و حجمی، در صورت رفع معایب هر دو معیار گونه‌شناسی (جدول ۳ و ۲) از طریق راهکارهای طراحی معماری، می‌تواند راه‌حل مناسب و توصیه‌شده‌ای باشد.	پراکنده	میان‌مرتبه
	گونه غالب بلندمرتبه و بلوک‌های پراکنده که معمولاً در بخش‌های تازه‌تأسیس شهر و با تراکم بالا و طبقه اقتصادی بالای جامعه به چشم می‌خورد (جدول ۸ و ۹)؛ هرچند که به دلیل استفاده بهینه از زمین، رهایی از محدودیت و امکان ایجاد تنوع فضایی و تنوع حجمی شاید راهکار مناسبی به‌نظر برسد، ولی بلوک بلندمرتبه با قابلیت تبدیل به حجمی یکنواخت و ناخوانا در مقیاس انسانی و نیز ایجاد خرداقلیم‌های نامناسب (جدول ۳) و نیز سایر معایب گونه پراکنده (جدول ۲)، نیازمند راهکارهای مناسب طراحی معماری جهت حل این معضلات است.	پراکنده	بلندمرتبه

راهکار پیشنهادی	بحث	معیار غالب اول	
		ارتفاع	تیپولوژی پلان
		معیار غالب دوم	
		ارتفاع	تیپولوژی پلان
		بلندمرتبه	متمرکز
<p>* دسترسی و نفوذپذیری: ایجاد ارتباط بصری در فضای باز پیرامون بلوک.</p> <p>* تمایز و خوانایی: ایجاد عناصر متمایز و نشانه جهت تشخیص جهت.</p> <p>* آسایش و آرامش: ایجاد فضای نورگیری جهت فضای مرکزی بلوک، ایجاد حریم و فاصله میان مسیرهای تردد و تجمع با فضاهای سکونتی.</p> <p>* ایمنی و امنیت: افزایش روابط با تعریف فضاهای جمعی، ایجاد حریم فیزیکی جهت کنترل و امنیت اجتماعی. توجه به نقاط کم‌کاربرد مجموعه.</p> <p>* سرزندگی و اجتماع‌پذیری: تعبیه مرزهایی جهت تقویت حس اجتماع‌پذیری با ایجاد گردها در محوطه پیرامون بلوک.</p> <p>* تنوع و پویایی عملکردها: طراحی انعطاف‌پذیر در فضاهای پیرامونی جهت پاسخگویی به فعالیت‌های مختلف.</p>	<p>گونه غالب متمرکز و بلندمرتبه که معمولاً در بخش‌های تازه‌تأسیس شهر و با تراکم بالا و طبقه اقتصادی بالای جامعه به چشم می‌خورد (جدول ۹)؛ با وجود استفاده بهینه از زمین در بلوک‌های بلندمرتبه، قابلیت تبدیل به حجمی یکتواخت و ناخوانا در مقیاس انسانی و نیز ایجاد خرداقلیم‌های نامناسب را دارد (جدول ۳). هرچند که گونه متمرکز تنها راهکار دستیابی به تراکم مطلوب در زمین‌هایی با ابعاد کوچک است، ولی به دلیل انقطاع فضای باز محوطه به دو یا چند بخش در گونه متمرکز معضلاتی (جدول ۲) به وجود می‌آید که لازم است معایب هر دو معیار گونه‌شناسی از طریق راهکارهای مناسب طراحی معماری برطرف شود.</p>		
		کوتاهمرتبه	محیطی
<p>* دسترسی و نفوذپذیری: ایجاد ورودی‌های شاخص و قابل آدرس‌دهی، برقراری ارتباط فضایی از مرکزی با فضای پشت بلوک‌ها.</p> <p>* تمایز و خوانایی: اجتناب از تشابه بلوک‌ها و ایجاد گوناگونی، استفاده از تمایز و تنوع جهت بازشناسی.</p> <p>* آسایش و آرامش: در نظر گرفتن توصیه‌های اقلیمی برای بلوک‌هایی با جهت‌گیری نامناسب، ایجاد حریم خصوصی مابین بلوک‌ها با محوطه مرکزی.</p> <p>* ایمنی و امنیت: برقراری ارتباط مابین فضای باز مرکزی با فضای پشت بلوک‌ها.</p> <p>* سرزندگی و اجتماع‌پذیری: ارتقاء نفوذپذیری و اجتماع‌پذیری در فضای پشت بلوک‌ها.</p> <p>* تنوع و پویایی عملکردها: طراحی انعطاف‌پذیر در فضای محوطه مرکزی و امتداد فعالیت‌های حادث در فضای مرکزی به فضای پشت بلوک‌ها.</p>	<p>گونه غالب محیطی و کوتاه‌مرتبه که فراوانی نسبتاً کمی در مجتمع‌های مسکونی شهر تبریز دارد (جدول ۹) هرچند که به دلیل محاسن بلوک کوتاه‌مرتبه نظیر سهولت اجرا، ارتباط بصری با محیط پیرامون و ایجاد حس امنیت در تراکم‌های پایین راه حل مناسبی است (جدول ۳). ولی بلوک محیطی معضلاتی نظیر عدم ایجاد فضاهای خصوصی برای ساکنان دارد. هرچند که فضای باز مرکزی بلوک محیطی با قابلیت‌های زیادی نظیر اجتماع‌پذیری و تنوع و سرزندگی را در اختیار ساکنان قرار می‌دهد.</p>		
		کوتاهمرتبه	ابر بلوک
<p>* دسترسی و نفوذپذیری: ایجاد ورودی‌ها و مرزهای شاخص و قابل آدرس‌دهی، توجه به فضاهای کم‌کاربرد مجموعه.</p> <p>* تمایز و خوانایی: ایجاد عناصر متمایز و نشانه جهت تشخیص جهت، طراحی مناسب توده و فضا در جهت ایجاد گوناگونی.</p> <p>* آسایش و آرامش: در نظر گرفتن توصیه‌های اقلیمی در استقرار بلوک‌ها، ایجاد حریم و فاصله میان بلوک‌ها و مسیرهای تردد.</p> <p>* ایمنی و امنیت: افزایش روابط با تعریف فضاهای جمعی، افزایش ارتباط بصری و نظارت بر فضای کم‌کاربرد مابین بلوک‌ها.</p> <p>* سرزندگی و اجتماع‌پذیری: تعبیه مکان‌هایی جهت برقراری تعاملات اجتماعی، طراحی فضای بین بلوک‌ها به‌عنوان فضای مکث و نه صرفاً عبور.</p> <p>* تنوع و پویایی عملکردها: طراحی انعطاف‌پذیر در فضاهای مابین بلوک‌ها جهت پاسخگویی به فعالیت‌های مختلف، طراحی معابر به‌عنوان فضای مکث و نه صرفاً عبور.</p>	<p>گونه غالب ابربلوک‌ها و کوتاه‌مرتبه که فراوانی بسیار کمی در مجتمع‌های مسکونی شهر تبریز دارد (جدول ۹) هرچند که به دلیل محاسن بلوک کوتاه‌مرتبه نظیر سهولت اجرا، ارتباط بصری با محیط پیرامون در تراکم‌های پایین راه حل مناسبی است (جدول ۳) ولی از سویی دیگر ابربلوک‌ها اگر در مجاورت بافتی مشکل‌دار باشند در عین ایجاد امنیت برای بلوک‌های میانی با ناامنی و معضلات مختلف (جدول ۲) در بلوک‌های پیرامونی مواجه خواهند بود. در حالت ایده‌آل این‌گونه می‌تواند چشم‌انداز مطلوبی را برای بلوک‌های پیرامونی فراهم کند.</p>		

منبع: نگارندگان

نتیجه‌گیری

با وجود اینکه در مجتمع‌های مسکونی، هدف سکونت مردم است ولی به دلیل غلبه رفع نیازهای اولیه به پاره‌ای از ملاحظات کیفی توجه نمی‌شود. بی‌توجهی به کیفیت‌های فضایی مطلوب در مجتمع‌های مسکونی و نیز عدم توجه و تأمین رضایتمندی ساکنان از معایب مهم الگوهای طراحی مجموعه‌های مسکونی اخیر تلقی می‌شود. هرچند که در این زمینه جهت‌گیری اصلی الگوها، طراحی و ساخت مجتمع‌هایی با فضای کالبدی فشرده‌تر و محیط‌های اجتماعی اقناع‌کننده‌تر است، ولی مسئله تراکم ساختمانی که از عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی و کالبدی متأثر است و پایه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و طراحی برنامه‌های توسعه مسکن را تشکیل می‌دهد، به‌عنوان راه‌حلی برای اسکان جمعیت رو به افزایش و همچنین جلوگیری از گسترش و توسعه افقی شهر، به‌خصوص در شهری مانند تبریز واقعیتی اجتناب‌ناپذیر است. از طرفی هرچه مقیاس محدوده زمین‌ها کوچک‌تر می‌شود، آثار تراکم بر بافت کالبدی-فضایی آنها و نیز زندگی مردم محسوس‌تر می‌شود؛ از سوی دیگر شهری با خصوصیات اقلیمی تبریز، تشویق‌کننده بافت‌های بسته و فشرده است و این افزایش فشردگی می‌تواند موجب کاهش کیفیت سکونت شود. از این‌رو برنامه‌ریزی مجتمع‌های مسکونی برای این‌چنین شهری نیازمند تعدیل به همراه شاخص‌های ارزیابی کیفی است.

به همین منظور پژوهش حاضر با هدف تبیین چارچوبی نظری و کاربردی برای گونه‌شناسی مجتمع‌های مسکونی و تبیین رابطه آن با کیفیات فضایی حاصل انجام گرفت. نتایج تحقیق حاضر با معیار ارتفاع حاکی از فراوانی مجتمع‌های مسکونی کوتاه‌مرتبه و با معیار هم‌نشینی فضای باز و بسته حاکی از فراوانی گونه پراکنده در شهر تبریز بود. گونه‌شناسی مجتمع‌های مسکونی شهر تبریز با دو معیار هم‌زمان ارتفاع و هم‌نشینی فضای باز و بسته از گونه غالب خطی در مجموعه‌های کوتاه‌مرتبه، گونه غالب پراکنده در مجتمع‌های میان‌مرتبه و بلندمرتبه، فراوانی بلندمرتبه در گونه متمرکز و پراکنده و فراوانی کوتاه‌مرتبه در سایر گونه‌ها حکایت داشت. جهت بررسی میزان کیفیت‌های فضایی حاصل از گونه‌های مختلف مجتمع‌های مسکونی، مواردی همچون دسترسی و نفوذپذیری، تمایز و خوانایی، آسایش و آرامش، سرزندگی و اجتماع‌پذیری، ایمنی و امنیت، تنوع و پویایی عملکردها در گونه‌های غالب مجتمع‌های مسکونی سطح شهر مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. نتیجه تحقیق نشان داد که الگوهای موجود در مجتمع‌های مسکونی شهر تبریز با پذیرا بودن ظرفیت‌های مختلف جمعیتی و تراکم‌های مختلف با توجه به دو معیار ارتفاع و هم‌نشینی فضای باز و بسته، به بازنگری و ارزیابی نیاز دارند تا با شناسایی نقاط ضعف و قوت هر کدام در برنامه‌ریزی‌های آتی و با برطرف کردن مشکلات احتمالی، بتوان گامی در جهت بهبود کیفی مجموعه‌های مسکونی محیط زندگی افراد برداشت.

در این نوشتار تلاش شد با شناسایی و ارزیابی الگوهای مجتمع‌های مسکونی و تأثیر آنها بر میزان کیفیت و مطلوبیت محیط، به نواقص و ناکارآمدی سیاست‌های اعمال شده در برنامه‌های توسعه شهری در بخش مسکن واقف گردید تا بتوان از تکرار برخی اقدامات نامناسب در مجتمع‌های مسکونی جلوگیری نمود. امید است دستاورد این پژوهش در مقیاس کلان به تدوین سیاست‌ها و راهبردهای مناسب، در مقیاس میانی به تدوین برنامه‌ها و راهکارهای اجرایی مطلوب و در مقیاس خرد به محیط مسکونی مطلوب با تأمین نیازها و رضایتمندی ساکنان از مجتمع‌های مسکونی بینجامد.

پی‌نوشت‌ها

1. Linear block arrangement
2. Periphery blocks
3. Responsive Environments
4. Spread block
5. Free-Standing block
6. Super blocks
7. Canter
8. Lynch
9. Baba
10. Austin
11. Bently lan
12. Access
13. Permeability
14. Legibility
15. Comfort
16. Sociability

فهرست منابع

- باور، سیروس (۱۳۸۴) «تحول طراحی مسکن»، فصلنامه معماری و فرهنگ، سال هفتم، شماره ۲۳، ۱۲۶-۱۳۳.
- بنتلی، ای‌ین؛ الکک، آلن؛ مورین، پال؛ مک‌گلین، سیو؛ و اسمیت، گراهام (۱۳۸۲) *محیط‌های پاسخ‌ده (کتاب راهنما برای طراحان)*، ترجمه مصطفی بیهزادفر، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
- توسلی، غلام‌عباس (۱۳۸۹) *نظریه‌های جامعه‌شناسی، ویرایش دوم*، انتشارات سمت، تهران.
- دانشپور، سید عبدالهادی (۱۳۸۳) «بازشناسی مفهوم هویت در محیط انسان ساخت»، *مجله باغ نظر*، شماره ۱، سال اول، ۵۹-۷۰.
- رفیعیان، مجتبی و خدایی، زهرا (۱۳۸۸) «بررسی شاخص‌ها و معیارهای مؤثر بر رضایت‌مندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری»، *فصلنامه راهبرد*، سال هجدهم، شماره ۵۳، ۲۴۷-۲۴۸.
- رفیعیان، مجتبی، و سیفایی، مهسا (۱۳۸۴) «فضاهای عمومی شهر؛ بازنگری و ارزیابی کیفی»، *نشریه هنرهای زیبا*، شماره ۲۳، ۳۵-۴۲.
- رفیعیان، مجتبی، و عسگری‌زاده، زهرا، و عسگری‌زاده، محمد (۱۳۸۹) «ارزیابی میزان کیفیت‌های مجتمع‌های سکونت با تأکید بر رویکرد رضایت‌مندی در محله نواب»، *فصلنامه مدرس علوم انسانی*، دوره ۱۴، شماره ۱، ۱۹۷-۲۱۲.
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۸۴) «ازخانه تا آپارتمان»، *فصلنامه معماری و فرهنگ*، سال هفتم، شماره ۲۳، ۱۴۲-۱۵۴.
- سلطانی، مهرداد و منصور، سید امیر و فرزین، احمدعلی (۱۳۹۱) «تطبيق نقش الگو و مفاهیم مبتنی بر تجربه در فضای معماری»، *فصلنامه علمی-پژوهشی باغ نظر*، شماره ۲۱، سال نهم، ۳-۱۲.
- شوای، فرانسواز (۱۳۸۴) *شهرسازی، تخیلات و واقعیات*، ترجمه سید محسن حبیبی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، تهران.
- شوئنوئر، نوربرت (۱۳۸۰) *مسکن حومه شهر*، ترجمه شهرام پوردیهیمی، انتشارات روزنه، تهران.
- عینی‌فر، علیرضا (۱۳۷۹) «عوامل انسانی-محیطی مؤثر در طراحی مجموعه‌های مسکونی»، *نشریه علمی-پژوهشی هنرهای زیبا*، شماره ۸، ۱۰۹-۱۱۸.
- عینی‌فر، علیرضا و قاضی‌زاده، سیده ندا (۱۳۸۹) «گونه‌شناسی مجتمع‌های مسکونی تهران با معیار فضای باز»، *نشریه علمی-پژوهشی آرمانشهر*، شماره ۵، ۱۱۹-۱۲۹.
- قاسمی اصفهانی، مروارید (۱۳۹۰) *اهل کجا هستیم؟ (هویت‌بخشی به بافت‌های مسکونی)*، چاپ دوم، انتشارات روزنه، تهران.

- قاضی زاده، سیده ندا (۱۳۹۰) تأثیر طراحی فضای باز مسکونی در ایجاد حس دل‌بستگی به مکان، رساله دوره دکتری، دانشگاه تهران، تهران.
- لنگ، جان (۱۳۸۳) آفرینش نظریه معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط)، ترجمه علیرضا عینی‌فر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- مقتدایی، مهتا (۱۳۸۵) «پیشنهاد روشی برای تحلیل شخصیت شهر»، مجله محیط‌شناسی، شماره ۳۹، ۱۲۹-۱۴۰.
- مرکز اسناد شهرداری مرکزی تبریز (۱۳۹۲) سازمان شهرداری استان آذربایجان شرقی، تبریز.
- نودری، شعله (۱۳۸۳) «رهنمودهای طراحی فضای باز مسکونی»، نشریه علمی-پژوهشی صفا، شماره ۳۹، ۶۴-۴۵.
- Biddulph, Mike (2007) *Introduction to Residential Layout*, Architectural Press, Amsterdam.
- Baba, Y.; Austin, D. M. (1989) "Neighborhood environmental satisfaction, Victimization and social participation as determinants of perceived neighborhood safety," *Environment and Behaviour*, Vol. 21, No: 6, 763-780.
- Canter, David (1977) *The psychology of place*, The Architecture press LTD, Linden.
- Gifford, Robert (2002) *Environmental Psychology: Principles and Practice*, Optimal Books, Canada.
- Patton, M. Q. (2001) *Qualitative Evaluation and Research Methods*, 3rd ed. , Sage, Newbury Park, CA.
- Schneider, Friederike (1997) *Floor Plan Atlas Housing*, Birkhauser, Boston.
- Schoenauer, Norbert (2000) *6000 Years of Housing*, Third Edition, w. w. Norton & Company, Inc. , New York.